

نگاهی به فیلم «خانواده اجاره‌ای» محصول ۲۰۲۵

یک فیلم قشنگ درباره یک درد عمیق

مهدی زارع | این آخر هفته اگر خواستید فیلم ببینید پیشنهاد می‌کنم خانواده اجاره‌ای را تماشا کنید؛ یک درام اجتماعی خوش ساخت و البته با کمی طنز تلخ در لابه‌لای سکانس‌هایش.

فیلم خانواده اجاره‌ای (Rental Family) یکی از آن آثار دلنشین و آرامش‌بخش است که قطعاً پس از تماشایش، نسبت به موضوعات مختلفی بازاندیشی می‌کنید و برخی از خوشی‌های فراموش‌شده‌تان را دوباره به یاد می‌آورید. داستان فیلم در توکیو امروزی می‌گذرد. «برندن فریزر» که شاید او را با مومیایی (۱۹۹۹)، تصادف (۲۰۰۴) و قاتلان کامل (۲۰۲۳) به یاد بیاورید، در خانواده اجاره‌ای نقش اصلی را برعهده دارد؛ یک بازیگر ناموفق آمریکایی به نام «فیلیپ» که سال‌هاست در ژاپن زندگی می‌کند اما همچنان احساس غریبگی و بی‌هدفی دارد. او وقتی کار درست و حسابی پیدا نمی‌کند، وارد شغل عجیب «خانواده اجاره‌ای» می‌شود، یعنی شرکت‌هایی که بازیگرها را استخدام می‌کنند تا نقش پدر، عمو، دوست یا هر عضو خانواده‌ای که مشتری نیاز دارد را بازی کنند. فیلم ترکیبی از کمدی لطیف، درام احساسی و پرتره‌ای روان‌شناسانه از تنهایی و ارتباط واقعی انسان‌هاست؛ هم می‌خنداند و هم جاهایی دل آدم را می‌لرزاند.

■ یک آمریکایی در سرزمین ساموایی‌ها

پس از سال‌ها، بازی «برندن فریزر» در «خانواده اجاره‌ای» واقعاً درخشان و حساس است؛ اینجا مهربانی و آسیب‌پذیری‌اش با طنز نرم و گرم ترکیب شده و یکی از بهترین نقش‌های اخیرش به شمار می‌رود. کارگردان، هیکارو (کارگردان ژاپنی فیلم که خودش هم سابقاً بازیگر بوده است) توکیو را با زیبایی و دقت به نمایش می‌کشد؛ نورها، خیابان‌ها و فضای شهری حس غربت و در عین حال جذابیت ظاهری مدرنیسم را عالی منتقل می‌کند.

موضوع خانواده اجاره‌ای که یک پدیده واقعی در ژاپن است و وارد فرهنگ عمومی هم شده، خیلی ظریف و بدون شعارزدگی در فیلم پرداخت شده است. فیلم خیلی خوب نشان می‌دهد در جامعه‌ای فوق‌العاده مدرن و سریع مثل ژاپن، مردم هنوز هم سنت‌های قدیمی را - حداقل در ظاهر و رفتار روزمره - حفظ کرده‌اند؛ تعظیم کردن، درآوردن کفش موقع ورود به خانه، احترام به فصل‌ها و طبیعت، استفاده از زبان مؤدبانه و حتی پناه بردن به آیین‌های خانوادگی در موقعیت‌های احساسی. و البته ناگفته‌نماند که خانواده اجاره‌ای اساساً مسکنی علیه درد مزمن ضربات مدرنیته بر سنت است. این تضاد میان مدرنیته و سنت، فیلم را عمیق‌تر و واقعی‌تر می‌کند و موجب می‌شود داستان درباره ساختن ارتباط واقعی از دل موقعیت‌های ساختگی خیلی باورپذیرتر شود.



پدیده خانواده اجاره‌ای که در ژاپن به شکل سازمان‌یافته‌ای وجود دارد، بیش از هر چیز آینه‌ای است از تنهایی عمیقی که در دل زندگی مدرن رشد کرده. در جامعه‌ای که سرعت، کار طولانی و فشارهای ظاهری بر روابط انسانی سایه انداخته، گاهی انسان‌ها به جای ساختن پیوندهای واقعی، به خرید لحظه‌ای «حضور» و «گرما» روی می‌آورند. این خدمات، هرچند گاهی آرامش موقتی می‌آورند، ولی یادآوری نرم اما تلخی هستند که مدرنیته - با همه پیشرفت‌هایش - هزینه‌ای را از عمق روابط انسانی می‌گیرد و آدم‌ها را در میان شلوغی شهرها، تنهاتر از همیشه‌رها می‌کند.

در ضمن ناگفته‌نماند که این پدیده یعنی خانواده اجاره‌ای فقط در ژاپن با این وسعت وجود دارد. هرچند در بعضی کشورها مثل کره‌جنوبی یا حتی خود آمریکا هم به‌طور محدود دیده شده است.

■ شاید بهتر بود...

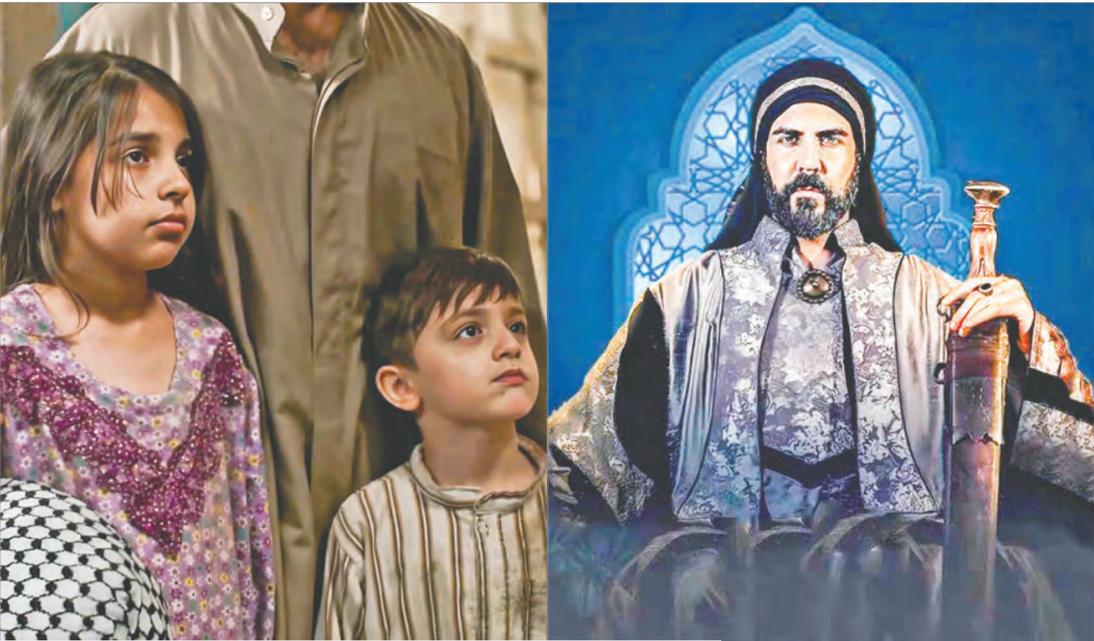
ریتم فیلم گاهی کند می‌شود و ممکن است بعضی احساس کنند می‌توانست ۱۵-۱۸ دقیقه کوتاه‌تر شود تا ضربه احساسی‌اش به مخاطب قوی‌تر باشد. پایان‌بندی هم خوشبینانه و دلگرم‌کننده است و ناامیدانه، تلاش می‌کند نقص سیستم را با دستورالعمل‌های فردی برطرف کند (چیزی شبیه بسیاری از فیلم‌های آمریکایی)، البته این پایان‌بندی در کل آزاردهنده نیست و بیشتر روی احساسات کار می‌کند تا منطق سخت. بعضی منتقدها (مثل گاردین) فیلم را کمی سطحی دانسته‌اند، اما بیشتر نقدها مثبت بوده و مشخصاً بازی «برندن فریزر» را ستوده‌اند. شاید بشود ادعا کرد جا افتادن فریزر در نقش خودش سبب شده فیلم‌رتبه خوبی از منتقدان مخاطبان مردمی دریافت کند؛ فیلم در آی‌ام‌دی‌بی از مخاطبان نمره ۷/۶ گرفته که نشان از موفقیت دارد و همچنین منتقدان راتن‌تیمتو به آن ۸۷ از ۱۰۰ داده‌اند که باز هم آن را جزو فیلم‌های خوب تعریف می‌کند.

در نهایت اگر فیلم‌های شخصیت‌محور، کراس-کالچرال (فیلم‌هایی که برخورد چند فرهنگ را به نمایش می‌گذارند مثل گمشده در ترانزیت) ولی با طعم احساسی‌تر و ژاپنی و همچنین بازیگری که بتواند هم بخنداند هم اشکتان را در بیاورد دوست دارید، حتماً «خانواده اجاره‌ای» را ببینید. فیلمی است که بعد شاید دلتان بخواهد به کسی یا کسانی که مدت‌هاست با او حرف‌ن‌زده‌اید پیام بدهید و بپرسید «دل‌م برات تنگ شده، هماهنگ کنیم یه‌جا هم روبینیم».

فرهنگ و هنر

سریال‌های رمضانی شبکه سعودی MBC هویت شیعی را نشانه‌رفته‌اند

از تزویر «معاویه» تا تحریف «حمدیه»



زهرة كهندل | رمضان فصل رقابت سریال‌ها در کشورهای مسلمان و به ویژه عربی است تا ویتیرین چشم‌نوازی از تولیدات مصرف رسانه‌ای را پیش روی مخاطب جهانی بچینند؛ از این رو دست گذاشتن روی موضوعات جنجالی می‌تواند محصولشان را زبازند کند. به نظر می‌رسد ماه رمضان در سال‌های اخیر به میدان رقابت رسانه‌ای کشورهای عربی تبدیل شده است؛ رقابتی که گاه از مرز سرگرمی فراتر رفته و به مناقشات هویتی و مذهبی دامن می‌زند. همان‌طور که سریال «معاویه» در رمضان سال گذشته در جوامع شیعی بحث‌برانگیز و پخش آن در برخی کشورها همچون ایران و عراق ممنوع شد، امسال هم سریال «حمدیه» به سراغ موضوعی حساسیت‌زا رفته است تا آنجا که محتوای تفرقه‌برانگیز آن موجی از واکنش‌های سیاسی و مذهبی را در عراق برانگیخته و سبب شده پخش سریال با تصمیم رسمی کمیسیون رسانه و ارتباطات عراق در این کشور متوقف شود. بنا بر اعلام شبکه السومره به عراق، سریال «حمدیه» که قرار بود در ماه مبارک رمضان امسال از شبکه خصوصی MBC این کشور پخش شود با تصمیم رسمی کمیسیون رسانه و ارتباطات عراق از جدول پخش کنار گذاشته شد.

تغییر الگوی زندگی روزمره، تجمع خانوادگی پس از افطار و افزایش اوقات فراغت شبانه سبب می‌شود سریال‌های تلویزیونی و پلتفرمی در این ماه با بیشترین میزان مخاطب مواجه شوند.

در چنین شرایطی، تولید آثار نمایشی با رویکرد وحدت‌آفرین می‌تواند نقشی فراتر از سرگرمی ایفا کرده و به تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی کمک کند

سنتی مذهب از جنوب عراق است که پس از آوارگی، به منطقه کاظمین بغداد با اکثریت شیعه می‌رود و در آنجا با یک جوان کرد ایرانی آشنا می‌شود (نام اصلی او در فیلم‌نامه اولیه «مهدی» بوده و برای فرار از حساسیت‌ها به «سعدی» تغییر یافته است).

حمدیه با رابطه نامشروع، از این جوان باردار می‌شود اما این مرد او را ترک می‌کند.

در ادامه، مردی اهل تسنن از تکریت به عنوان چهره‌ای حامی وارد داستان می‌شود و مسیر روایت را تغییر می‌دهد که نشان‌دهنده یک دوگانگی و تقابل مذهبی است، اما روند داستان، جایی به کلیشه‌های تفرقه‌انگیز قومی و مذهبی گره می‌خورد که دوران پس از سقوط صدام، سعدی (مهدی) از ایران باز می‌گردد و در قامت یکی از رهبران متفرد و مسلح حاکمیت جدید شیعی ظاهر می‌شود. پس از مرگ مشکوک حمدیه، فرزند نامشروع او (که در تکریت بزرگ شده) با کشف حقیقت، دچار کینه و فروپاشی روانی شده و برای انتقام از پدر بیولوژیک خود (نماد حاکمیت فعلی)، به گروه‌های تروریستی می‌پیوندد. این روایت که جنایت‌های داعش و القاعده را از یک ایدئولوژی تکفیری، به یک انتقام‌جویی تقلیل می‌دهد، کانون اصلی انتقاداتها به سریال بوده است.

سریال، اقتباسی از رمانی به همین نام نوشته «قدوری الدوری» است؛ نویسنده‌ای که پیش‌تر هم در محافل

اکران پنج فیلم در نوروز ۱۴۰۵ قطعی شد

«آنتیک» و «اسکورت» گزینه‌های بعدی



فیلم سینمایی «زننده‌شور»، «نیم‌شب»، «قایق سواری در تهران»، «بامبولک ۲» و «بهشت تهبکاران» به‌طور قطعی، در نوروز ۱۴۰۵ به نمایش عمومی می‌رسند؛ همچنین فیلم‌های «آنتیک» و «اسکورت» نیز احتمالاً در این ترکیب قرار بگیرند. پس از قطعی شدن اکران فیلم‌های «نیم‌شب» و «قایق سواری در تهران» در نوروز ۱۴۰۵ هم‌زمان با دریافت پروانه نمایش، اکران نوروزی «زننده‌شور»، «بامبولک ۲» و «بهشت تهبکاران» نیز قطعی شد.

در حالی که این روزها اخباری از ریزنی شورای صنفی نمایش با صاحبان آثار برای اکران نوروزی به گوش می‌رسد، فیلم‌های «زننده‌شور»، «بامبولک ۲» و «بهشت تهبکاران» نیز در فهرست اکران نوروزی قرار گرفتند.

با این اوصاف تا امروز، از میان پنج فیلم قطعی شده برای اکران در نوروز ۱۴۰۵، سه فیلم از آثار حاضر در جشنواره فجر چهل و چهارم بودند؛ که تا امروز و با قطعی شدن اکران «زننده‌شور» یک فیلم از میان آن‌ها نیز برگزیده سیمرغ بلورین بهترین فیلم مردمی نیز شد.

رسانه‌ای و فرهنگی عراق با انتقادهایی روبه‌رو بوده است. برخی منتقدان معتقدند داستان سریال با ترسیم چهره‌ای تحریف‌شده از جامعه عراق و طرح روایت‌های مناقشه‌برانگیز درباره دوره حزب بعث، به انسجام اجتماعی مردم این کشور آسیب می‌زند.

جامعه مذهبی عراق هم نسبت به این سریال، سکوت نکردند. سید صدرالدین قبانچی، امام جمعه نجف، این سریال را «انحرافی و فاسد» توصیف کرد. همچنین محمود الربیعی، عضو هیئت مدیره سازمان رسانه و ارتباطات عراق نیز درباره توقیف پخش سریال «حمدیه» در شبکه ایکس نوشت: «این تصمیم با استناد به فرمان شماره ۶۵ صادر شده در سال ۲۰۰۴ اتخاذ شد. طبق این فرمان، سازمان رسانه و ارتباطات عراق ملزم است از پخش هر گونه محتوا که در آن به ارزش‌های اجتماعی توهین شده یا وجهه زنان عراقی را مخدوش می‌کند یا فتنه‌انگیز است، جلوگیری کند. این تصمیم به دنبال مطلع شدن سازمان از داستان سریال و پخش تیزر تبلیغاتی آن اتخاذ شد.»

■ تهاجم فرهنگی یک شبکه سعودی

ماه رمضان در بسیاری از کشورهای اسلامی، علاوه بر جایگاه عبادی و معنوی، به عنوان یکی از مهم‌ترین فصل‌های مصرف رسانه‌ای هم شناخته می‌شود. تغییر

الگوی زندگی روزمره، تجمع خانوادگی پس از افطار و افزایش اوقات فراغت شبانه سبب می‌شود سریال‌های تلویزیونی و پلتفرمی در این ماه با بیشترین میزان مخاطب مواجه شوند. در چنین شرایطی، تولید آثار نمایشی با رویکرد وحدت‌آفرین می‌تواند نقشی فراتر از سرگرمی ایفا کرده و به تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی کمک کند. از این‌رو ماه نزول قرآن، فرصتی طلایی برای همبستگی اسلامی بوده و ساخت آثاری که به اختلافات قومی و دینی دامن بزنند، بازی در زمین دشمنان اسلام است.

سریال حمدیه هم با سوگیری‌های خاص روایی خود، پیش از آنکه روی آنتن برود، به یکی از بحث‌برانگیزترین تولیدات رمضانی عراق تبدیل شد. منتقدان با اشاره به مالکیت و تأمین مالی این محصول توسط شبکه MBC عراق وابسته به عربستان سعودی، آن را نمونه‌ای از «تهاجم فرهنگی» توصیف کردند و ادعان داشتند این سریال، پروژه‌ای سعودی برای ایجاد شکاف دینی و مذهبی است. در مقابل، حامیان سریال آن را اثری در چارچوب روایت دراماتیک و وام‌گرفته از واقعیت‌های اجتماعی توصیف کرده‌اند که حوادث در آن، درام را پیش می‌برد اما شواهد نشان می‌دهد این سریال الزاماً روایت قصه‌ای سرگرم‌کننده نیست و اثراتی فراتر از سرگرمی دارد که موجب سوءتفاهم میان اهل تسنن و تشیع می‌شود. از این منظر، نه فقط آثار صرف تاریخی با موضوعات مذهبی که درام‌های اجتماعی با زمینه مذهبی هم اگر تحریف شوند و سفره تفرقه‌افکنی را پهن کنند با واکنش مسلمانان در جوامع اسلامی روبه‌رو می‌شوند به ویژه در زمان پخش ماه وحدت‌آفرین رمضان.

■ غفلت از تولید آثار وحدت‌آفرین

در سال‌های اخیر، عربستان سعودی تمرکز ویژه‌ای روی تولید سریال‌های مناسبتی ماه رمضان داشته و تلاش کرده آثاری جنجالی و بحث‌برانگیز بسازد؛ آثاری که به نظر می‌رسد هزینه‌های مالی سنگین، مانعی برای تولید آن‌ها نبوده است مثلاً برای سریال «معاویه» که با هدف تطهیر خاندان ابوسفیان و شخصیت معاویه ساخته شده بود و روایت‌های نادرستی درباره حضرت علی(ع) داشت . بودجه‌ای افزون بر ۱۰۰ میلیون دلار اختصاص یافت.

پیش از آن نیز سریال «حشاشین» تولید شد که در آن به روایت‌هایی درباره فرقه نزاری مذهب اسماعیلی به رهبری «حسن صباح» پرداخته شد و از سوی برخی منتقدان، به دلیل اشتباه‌های تاریخی و تفسیرهای جهت‌دار مورد انتقاد قرار گرفت. این بار نیز سریالی با عنوان «حمدیه» در کانون توجه و اعتراض‌ها قرار گرفته که در آن هویت شیعی، خدشه‌دار شده است.

همان‌طور که اشاره شد سریال‌های رمضانی به‌واسطه زمان پخش، گستره مخاطب و فضای معنوی ماه رمضان، ظرفیت قابل توجهی برای ایفای نقش اجتماعی و فرهنگی دارند و پخش آثار وحدت‌آفرین در این ماه می‌تواند به تقویت همدلی، شکل‌گیری گفت‌وگوی اجتماعی، بازنمایی هویت مشترک و ارتقای سرمایه فرهنگی جوامع اسلامی منجر شود و کشورهای اسلامی در این فرصت طلایی می‌توانند نقاط اشتراک عاطفی و فرهنگی میان مسلمانان را با محتوای سریال‌ها برجسته کنند یا به سراغ موضوعاتی بروند که درباره آن اجماع و اشتراک دینی وجود دارد مانند سریال «یوسف پیامبر(ع)» که داستانی قرآنی را به زبان تصویر درآورد، مجموعه‌ای که بازپخش آن همچنان در کشورهای اسلامی طرفداران پرپواقرصی دارد و چه موضوعاتی برای به تصویر کشیدن در بهار قرآن، زیباتر، جذاب‌تر و اثرگذارتر از قصه‌های قرآنی.

بازگشت مدیری با «شاه‌گل»

ادامه یک بازی قدیمی در قالبی تازه



مهران مدیری با فصل دوم «گل یا پوچ» با عنوان «شاه‌گل» بار دیگر وارد رقابت شبکه نمایش خانگی می‌شود. پس از تجربه اجرای برنامه «گل یا پوچ»، مهران مدیری این بار با فصل دوم این مسابقه در قالبی تازه و با عنوان «شاه‌گل» راهی شبکه نمایش خانگی می‌شود؛ بازگشتی که می‌تواند یکی از اتفاق‌های قابل توجه عرصه سرگرمی در پلتفرم‌های برخط باشد.

براساس اطلاعات منتشر شده، «شاه‌گل» ادامه‌ای بر ساختار مسابقه «گل یا پوچ» است؛ برنامه‌ای که با تکیه بر یک بازی سنتی ایرانی و تلفیق آن با فضاسازی نمایشی و اجرای مدیری، توانست توجه طیفی از مخاطبان را به خود جلب کند. اکنون فصل دوم این مسابقه با طراحی مشترک مهران مدیری و نیک یوسفی تولید شده و قرار است با ساختاری ارتقا‌یافته و حضور چهره‌های شاخص فصل گذشته، بار دیگر مخاطبان را پای تماشای یک رقابت سرگرم‌کننده بنشاند.

مهران مدیری که طی سه دهه گذشته با ساخت

و اجرای برنامه‌ها و سریال‌های پرمخاطبی چون «پاورچین»، «شب‌های برره»، «دوره‌می» و پروژه‌های متنوع دیگر در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر تمرکز بیشتری بر مدیوم برخط داشته است. بازگشت او با شاه‌گل را می‌توان تلاشی برای تثبیت جایگاهش در فضای رقابتی پلتفرم‌های نمایش خانگی دانست؛ فضایی که امروز میزبان طیف متنوعی از رئالیتی‌شوها، مسابقات و برنامه‌های گفت‌وگومحور است.

شاه‌گل همچون فصل نخست، بر پایه همان بازی قدیمی گل یا پوچ طراحی شده اما پیش‌بینی می‌شود در فصل جدید، علاوه بر افزایش سطح رقابت، شاهد تغییراتی در دکور، آیتم‌های جانبی و شیوه اجرای مسابقه باشیم. حضور شرکت‌کنندگان شاخص فصل گذشته نیز می‌تواند به حفظ پیوستگی مخاطبان و ایجاد حس آشنایی کمک کند؛ عاملی که در موفقیت فصل‌های بعدی چنین برنامه‌هایی نقش مهمی ایفا می‌کند.